



جعفر قنadbاشی، دیپلمات پیشین در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

شهید سلیمانی با ابتکارات خود نقشه غرب را خراب کرد

ایالات متحده چه اهدافی را از اقدام تروریستی خود علیه فرمانده سپاه قدس ایران دنبال می‌کرد؟ وضعیت امنیتی منطقه پس از این جنایت سازمان یافته به چه سمت و سویی رفته است؟ و چرا آمریکا ناگزیر شده است بتدریج از منطقه خارج شود؟ اینها پرسش‌هایی است که همزمان با فرارسیدن سومین سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی در گفت‌وگوی «ایران» با جعفر قنadbاشی، دیپلمات پیشین کشورمان به بحث گذاشته شده است که از نظر می‌گذرد.



ایالات متحده دی‌ماه ۳ سال پیش متعاقب پیگیری اهداف خاص و مداخله جویانه خود در منطقه خاورمیانه سردار سپاه قدس ایران را هدف حمله تروریستی قرار داد. اهدافی که در پی آن، از میان بردن نفوذ جمهوری اسلامی در عملیات برون مرزی و نقش آفرینی راهبردی آن در تحولات وقت را دنبال می‌کرد. درباره این اهداف بفرمایید.

شخصیت سردار سلیمانی و عملکرد و آموزه‌های او بر روند عملیات و توان اجرایی جبهه مقاومت و ضد صهیونیستی به اندازه‌ای اثرگذار بود که عملاً محاسبات بازیگران غربی مداخله‌گر در منطقه را تحت تأثیر قرار داده بود. در نتیجه این کشورها به رهبری ایالات متحده به این نتیجه رسیده بودند که حذف ایشان می‌تواند توان دفاعی فوق العاده و قدرت تازه‌ای را که در منطقه به وسیله او ایجاد شده بود، کاهش دهد لذا این عملیات تروریستی در واقع با هدف حذف ایشان از محور مقاومت و از میان بردن یک نیروی بالقوه و بالفعل صورت گرفت. البته مدت‌ها بود که هم رژیم صهیونیستی و هم کشورهای منطقه نگرانی‌های خود را از نفوذ معنوی او بر نیروهای مقاومت و مبارز در منطقه ابراز کرده و خواستار چنین اقدامی بودند. در این راستا کشورهای غربی هم که عمده‌ترین منافع‌شان سلطه استراتژیک و راهبردی بر حوزه‌های انرژی منطقه بوده است، در صدد برآمدند که این نگرانی را با حذف سردار سلیمانی برطرف کنند.

این نگرانی ناظر به چه دلایلی بود؟

نکات مهم درباره سردار سلیمانی که کمتر از آن در رسانه‌ها گفته شده است و خیلی اهمیت دارد، درباره نقش حساس و تاریخی ایشان در منطقه بود؛ نخست اینکه سردار سلیمانی یک نظریه دفاع و امنیت دسته جمعی را در عرصه عمل بدون کمک گرفتن از پروتکل‌های غربی به اجرا درآورد و یک پیمان نانوشته مبنی بر دفاع دسته جمعی را در منطقه پیاده کرد که بالاترین و جدیدترین نوع دفاع امنیتی در کشورها به شمار می‌آید؛ زیرا امروزه دفاع از درون مرزها تعریف نمی‌شود و کشورهایی که می‌خواهند بهترین دفاع را داشته باشند ناگزیرند فضای کل منطقه خود را برای حفظ امنیت مورد توجه قرار داده و ایجاد یک امنیت دسته جمعی را در دستور کار قرار دهند. سردار سلیمانی بنا به ضرورت این ایده را مورد پیگیری و اجرا قرار داد.

مسأله دیگری که خیلی مهم است و سردار آن را مورد توجه قرار داد، به حضور تاریخی کشورهای غربی در دهه‌های گذشته باز



امریکایی‌ها شاهد بودند منطقه به سمت و سویی می‌رود که امکان بهره‌برداری از حضور نظامی و سیاسی سردار سلیمانی در منطقه رو به کاهش می‌رود و خب این امر منجر به ایجاد فضایی شده بود که هزینه‌های حضورشان را به مراتب از نفع آن بیشتر کرده بود. آنها برای تغییر این فضا دست به اقدام تروریستی علیه سردار ایرانی زدند اما با وجود این اقدام، روند

بعدی تحولات منطقه نشان داد که ایده مقاومت بدون اتکا به تسلیحات غربی بیش از آنچه تصور می‌شد، در میان کشورها و جریان‌های اسلامی نفوذ داشته است و آثار الهامات و اقدامات ایشان روحیه‌ای در منطقه و یک روحیه ضد امریکایی و ضد مداخله در بسیاری از کشورهای منطقه ایجاد کرده است. بنابراین با وجودی که ایشان را ترور کردند به جای آنکه چنین اقدامات و نفوذی متوقف شود، اتفاقاً گسترده‌تر شد و غرب به نتیجه عکس رسید

این افسانه را ابطال و این تصور را ایجاد کرد که کشورها می‌توانند بالاترین دفاع را داشته باشند بدون آنکه به تسلیحات صادراتی غرب وابسته باشند. به این ترتیب جمهوری اسلامی به عنوان دهمین قدرت دفاعی در جهان این مهم را ثابت کرد که بدون خرید تسلیحات سنگین و هزینه کردن گزاف می‌توان امنیت را تأمین کرد. هزینه‌ای هم که ایران در روند کمک به کشورهای سوریه، لبنان و عراق صرف کرد، بسیار ناچیزتر و کمتر از هزینه‌های گزافی بود که کشورهای همچون عربستان بابت خرید سلاح از کشورهای غربی صرف کردند.

نقش آفرینی‌ها بویژه در مقابله با داعش و کمک‌های نظامی جمهوری اسلامی تحت هدایت سردار سلیمانی به کشورهای مرتبط با بحران همچون سوریه و عراق کمک بزرگی به اثبات دیدگاه جمهوری اسلامی مبنی بر لزوم خوداتکایی نظامی کرد. درست است؟

بله؛ در این رابطه باید به نقش سردار سلیمانی از عدم پیوستن ایران به یک ائتلاف خفت‌باری که غرب قصد داشت برای جایگزینی پیمان سنتو، که در دوره پیش از انقلاب به‌وجود آمده بود، و تحت عنوان مبارزه با داعش تشکیل دهد، اشاره کرد. نقشه کشورهای غربی این بود که داعش را به‌وجود آورند و به نام مبارزه با این گروه تروریستی، ائتلافی در کشورهای منطقه ایجاد کنند و از ایران بخواهند به عضویت این ائتلاف دربیایند که اگر کشورمان عضو این ائتلاف ضد داعش می‌شد همه توان نظامی و امکانات نظامی‌اش باید برای مقابله با داعش در اختیار غرب قرار می‌گرفت. امریکایی‌ها داعش را ایجاد کرده بودند و تأکید داشتند خطر حضور این گروه ۳۰ سال طول خواهد کشید اما مبارزه‌ای که سردار سلیمانی در مقابله با این گروه‌های تروریستی از خود نشان داد و سبب شد عمر این گروه در شش سال به پایان برسد، محاسبات امریکا و دیگر کشورهای غربی را به هم زد. این کشورها قصد داشتند با تشکیل ائتلافی ذیل مبارزه با داعش ایران را به آن ملحق کنند و به این ترتیب منابع نظامی و انسانی آن را تحت نفوذ خود درآورند. اما ایران هوشمندانه به دلیل توانمندی‌های سردار و دوستانش به تبعیت از رهبری معظم انقلاب در سپاه قدس با مقابله همه‌جانبه و نتیجه بخش علیه داعش، مانع از تحقق هدف غرب در تشکیل این ائتلاف موهوم شد.

به نظر می‌رسد پس از به شهادت رساندن سردار بخش زیادی از اهداف امریکامبنی بر کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی و تضعیف موقعیت راهبردی آن محقق نشد. خروج تدریجی نیروهای نظامی امریکایی را باید زیر سایه چنین نتایجی ارزیابی کرد؟

همه دلایلی که پیشتر اشاره کردم از جمله کاهش فروش تسلیحات، عدم تشکیل ائتلاف غربی در منطقه و همچنین ایده امنیت دسته جمعی سردار در منطقه را باید در کنار نفوذ معنوی و انسانی ایشان و اثر آن بر تقویت دیدگاه‌های مقاومت قرار داد. امریکایی‌ها شاهد بودند منطقه به سمت و سویی می‌رود که امکان بهره‌برداری از حضور نظامی و سیاسی سردار سلیمانی در منطقه رو به کاهش می‌رود و خب این امر منجر به ایجاد فضایی شده بود که هزینه‌های حضورشان را به مراتب از نفع آن بیشتر کرده بود. آنها برای تغییر این فضا دست به اقدام تروریستی علیه سردار ایرانی زدند اما با وجود این اقدام، روند بعدی تحولات منطقه نشان داد که ایده مقاومت بدون اتکابه تسلیحات غربی بیش از آنچه تصور می‌شد، در میان کشورها و جریان‌های اسلامی نفوذ داشته است و آثار الهامات و اقدامات ایشان روحیه‌ای در منطقه و یک روحیه ضد امریکایی و ضد مداخله در بسیاری از کشورهای منطقه ایجاد کرده است. بنابراین با وجودی که ایشان را ترور کردند به جای آنکه چنین اقدامات و نفوذی متوقف شود، اتفاقاً گسترده‌تر شد و غرب به نتیجه عکس رسید. به این ترتیب که امریکادر صندلی یک جنایتکار جنگی نشاند شد؛ یعنی کشوری که یک شخصیت مبارز با تروریسم را به شهادت رساند. از این رو این اقدام برای این کشور سنگین تمام شد و پاسخی هم که ایران در عین الاسد داد و امریکا نتوانست پاسخ دهد، سبب کاهش نفوذ این کشور در منطقه زیر سایه الهامات و تأثیرات سردار سلیمانی و نقش آفرینی دلاورانه‌اش در لبنان، سوریه و عراق شد. در نهایت هم که شاهد مصوبه پارلمان عراق برای اخراج نیروهای نظامی امریکا از عراق بودیم. این در حالی است که در افغانستان هم شاهد خروج نیروهای نظامی امریکا بودیم.

با توجه به تحولاتی که پس از این عملیات تروریستی صورت گرفت مناسبات بازیگران منطقه‌ای بویژه نسبت به لزوم تداوم ایده امنیت دسته جمعی دستخوش چه تغییراتی شد ؟

در پی قدرتمندتر شدن جبهه مقاومت و موفقیت‌هایی که ایران در عراق، لبنان و سوریه به دست آورد، امید کشورهای منطقه به غرب برای جلب حمایت امنیتی آنها به تدریج کاهش پیدا کرد. البته با اقداماتی که ترامپ صورت داد، کشورهای غربی بار دیگر تصور کردند که امریکایی‌ها می‌توانند مدافع امنیت شان باشند. بنابراین برخی از این کشورها مجدداً چرخشی در موضع خود داشتند و وارد روابط خصمانه با جمهوری اسلامی شدند. آنها حتی بعد از ترامپ نیز در مواردی چنین امیدی پیدا کردند که بتوانند با ضربه زدن به ایران همان سیاست‌های گذشته را ادامه دهند اما بعد از جمع‌بندی و دریافت واقعیات تحولات جاری منطقه متوجه شده‌اند که کشورهای غرب دیگر نمی‌توانند مدافع امنیت آنها باشند و اگر روش قبلی را ادامه دهند آینده میان‌مدت و بلندمدت را به کلی از دست خواهند داد. لذا تمایل کنونی کشورهای منطقه به سمت همکاری با جمهوری اسلامی و نمایش ضد امریکایی که گاهی در کشورهای منطقه دیده می‌شود، معلوم می‌کند که این کشورها تصویر روشن‌تر و دقیق‌تری از آینده پیدا کرده‌اند که در آن، ایران قدرتمندی محور همکاری دسته جمعی کشورها خواهد بود.

